سردار شهید سید ابراهیم کسائیان از خطه شهید پرور مهدیشهر

سرداری دلیر و خستگی ناپذیر

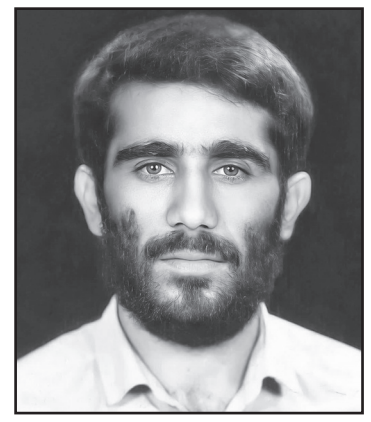

سردار شـهید سـیدابراهیم کسـائیان، توانائی‌ها و شـجاعت و ایمانـش او را تا معاونت طـرح و عملیات لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) رسانده بود.

هنوز فرماندهان عالی جنگ به یاد دارند، که شهید همـت چقـدر از مجروحیـت او غمگین شـد و با چه سـرعتی خود را به سـید رسـاند تا او را به پشت خط انتقال دهد.

همان موقع که تمام بدن سـید، به خاطر انفجار دو نارنجک سـاچمه‌ای زخمی شده بود و او با همان حال نـه تنها فرماندهی تیپ خـودش، بلکه هدایت ۲ تیپ دیگر که فرماندهانش به شـهادت رسـیده بودند را بر عهده داشت. در حین هدایت نیروها بارها بیهوش شد و به هوش آمد. در همان حال به بی‌سـیم چی پرخاش کـرد، که چرا مجروحیتش را به قـرار گاه اعلام کرده چون باعث تضعیف روحیه نیروها می‌شد.

او همان مردی بود که گروه‌های تجزیه طلب کومله و دمکرات در کردستان برای سر او جایزه تعیین کردند و از انواع کمین‌های دشمن به سلامت گذشته بود.

مجموعه فضایـل اخلاقی، قـدرت مدیریت، توان نظامـی او و... باعث شـده بود که آیـت‌الله خامنه‌ای رهبـر انقلاب در سـخنرانی خودشـان در لشـکر ۱۰ سیدالشـهدا(ع) از او بـه عنوان فرماندهـی بزرگ یاد نمایند.

گفتنی است سردار شهید سیدابراهیم کسائیان که به عنوان شـهید شاخص عشایری استان سمنان در سال ۹۲ معرفی شد، اهل شهرستان مهدیشهر می‌باشد.

وی سرانجام در سن ۲۶ سالگی در عملیات کربلای ۵ در تاریخ ۱۹ دی ماه سال ۶۵ در شلمچه آسمانی شد و در پل سفید سوادکوه مازندران به خاک سپرده شد.

مهدیشهر: خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی

با معلم شهید انقلاب؛ کبری وحیدی قزوینی

شبی که قزوین در آتش رژیم پهلوی سوخت

***حسن شکیب زاده**

یازدهـم دی مـاه سـال ۱۳۵۷ یکی از سـیاهترین ایـام جنایات رژیـم پهلوی در ایام منتهی به پیروزی انقلاب اسـلامی در قزوین است. از بعدازظهر این روز، مأموران حکومت نظامی با یورش همزمان به مردم و شهر قزوین، فاجعه بزرگی را رقم زدند که سر خط خبرهای رسانه‌های ایران و جهان شـد. آن روز ماموران حکومـت نظامی با یورش به شهر، مغازه‌ها، خانه‌ها، خودروهای مـردم در خیابانهـا و کوچه‌هـا را به آتش کشیده و با شکسـتن در مغازه‌ها، به غارت اموال مـردم پرداخته و بـا تیراندازی‌های ممتد ضمـن ایجاد رعب و وحشـت، امان مـردم را بریده بودند. حمله از مقر نیروهای نظامی آغاز شد و متجاوزان به حریم مردم و شـهر در آستانه غروب خورشید به میدان سپه رسیده و دیوانه وار به تخریب خودروها و مغازه‌ها می‌پرداختند.

درست در همین زمان، کبری به همراه بـرادرش که سـاکن بلندترین سـاختمان پشـت درمانگاه شهدای میدان سپه هستند با شنیدن شـلیک‌های جنون آمیز ماموران حکومت نظامی و فریادهای مردم و عربده کشـی‌های نیروهای حکومت نظامی و سر و صـدای تخریب مال و اموال مردم، برای تماشـای اوضاع شـهر، همانند بسیاری از مردم کـه در بالای پشـت‌بام‌های خانه‌ها با فریادهـای‌الله اکبر، به مقابله با نیروهای نظامـی می‌پرداختنـد، از طبقه سـوم خانه به قصد رفتن بالای پشـت بـام میرود که صدای شـلیک تفنگ مأموران و فریادهای مردم هر لحظه بیشتر و بیشتر میشود. کبرا جلوتر از بـرادرش حرکت می‌کند و خود را به آسـتانه در ورود به پشـت بام می‌رساند درحالی‌کـه برادرش هنوز در پاگرد اسـت. کبری هنوز پایش را به پشـت بام نگذاشته بود که با صدای شلیکی، فریاد وحشتناکی می‌زنـد: «آخ سـوختم» و نقـش پله‌های سـاختمان می‌شـود. برادرش سریع خود را بالای سـرش می‌رسـاند و بلافاصله او را به اتاق منتقل کرده و می‌بیند که پهلویش خونریزی دارد. کبری را که هنوز جان دارد و نفس می‌کشد، داخل ملحفه‌ای گذاشته و به قصد انتقال به بیمارسـتان از خانه خارج می‌کنند.

درحـال عبـور از کوچـه و خیابان‌های منتهـی بـه بیمارسـتان شـاه اسـماعیل (شـهیدرجایی)، می‌بینند که سراسـر شهر تبدیل به ویرانه شده است. مأموران نظامی شـهر را به آشوب کشـیده و درحال خراب کـردن درِ مغازه‌ها و سـرقت امـوال مردم و تیراندازی‌هـای پی درپـی و بی‌محابا به اطراف شـهر بودند. در مسـیر بیمارسـتان چندین بـار جلوی خـودروی حمل کبری را می‌گیرنـد و پـس از توهیـن، اهانت و شکسـتن شیشـه خودرو و پس از سـؤال و جواب‌هـای مختلـف و پرسـیدن علت حضور در خیابان، اجازه عبور می‌دهند. اگر مأموران نظامی متوجه می‌شدند کبری تیر خورده، ممکن بود به خودرو و سرنشینانش حمله کنند، بنابرایـن هرگاه که با مأموران مواجه می‌شوند، میگویند کبری بیمار است و برای درمانـش به بیمارسـتان می‌روند. و سـرانجام نیز با هـزار مکافات و ترس و وحشـت از ماموران به بیمارستان می‌رسند و بـا توجه بـه اینکه یکی از بستگانشـان در آن بیمارسـتان شـاغل است به پزشک حاضر و کارکنان بیمارسـتان آشنایی داده و با بیان ماجرا، پزشـک حاضر با بررسـی وضعیـت کبری خبـر شـهادتش را اعلام میکند. غم شـهادت کبری آواری می‌شود بر سـر همراهان. از طرفی نگرانی شان به مراتب بیشـتر شـده و دغدغه این را دارند کـه اگـر مأموران مسـتقر در بیمارسـتان متوجه تیرخوردن کبری شوند، جنازه‌اش را می‌برند و با بازماندگان نیز برخورد خواهند کرد. اما سرانجام با تدبیر پزشک و کارکنان بیمارستان او را به عنوان بیمار معمولی که فوت کرده داخل سردخانه می‌گذارند. برادر که به خانه بر می‌گردد خبر شـهادت کبری را به پدر، مادر و اهالی خانواده می‌رساند.

صبح فردای شـهادت کبـری، خانواده با خودروی دیگری به بیمارسـتان مراجعه می‌کننـد و بـدون اینکه مأمـوران متوجه شهادت کبری شده باشند او را روی صندلی نشـانده و بـه بهانـه اینکه بیمار اسـت و میخواهند او را به خانه منتقل کنند، پیکرش را به صحن حیاط امامزاده حسین(ع) انتقال داده و در کمـال مظلومیـت در جوار فرزند امام رضا(ع) به خاک می‌سپارند.

کبری وحیدی ۳۰تیرماه سال ۱۳۲۹ در قزوین به دنیا آمد و تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان ۱۷دی واقع در خیابان سپه و دوره متوسـطه را در رشـته خانـه‌داری در دبیرستان هجرت قزوین گذراند و بلافاصله پس از اخـذ دیپلم به اسـتخدام آموزش و پرورش درآمد و شـغل معلمی را پی گرفت که علاقه بسیاری به آن داشت.

او چندین سـال بـا تحمل دشـوار یها و سـختی‌های رفـت وآمد به روسـتاهای دوردست به تربیت فرزندان محروم پرداخت و هرگز در رسیدن به اهداف مقدسش ناامید نشـد و در روزهای آخر عمرش در دبستان دخترانه مرندی در خیابان راه آهن قزوین به تربیت فرزندان محروم این منطقه پرداخت.

کبـری کـه از جنایات رژیـم پهلوی و محرومیت‌های مردمانش باخبر بود، همواره بـا حضور در راهپیمایی‌های زمان انقلاب و اجتماعات آن دوران، به روشنگری مردم، به ویژه دانش‌آموزان و اولیاء آنها می‌پرداخت.

هنوز، سـه چهـار روزی از شـهادت او نگذشـته بود که نامـزدش از تهران و برای دیـدار با کبری به قزوین آمد. او درحالی که جعبه‌ای شیرینی و دسته گلی از گلهای سرخ رُز در دسـت داشت و بدون اینکه از شهادت شریک زندگی آینده‌اش اطلاع داشته باشد، در مقابـل درِ خانه کبـری از موضوع باخبر شده و با شوکَ وارده نقش بر زمین می‌شود. او علاقه زیادی به کبری داشـت و قرار بود در آینـده‌ای نزدیک با هـم ازدواج کنند. اما بعد از شهادت کبری تا آخر عمر ازدواج نکرد و سرانجام نیز به دیار باقی شتافت.

کبری معلمی دلسـوز، باادب، انقلابی و آگاه به مسـائل اجتماعـی و از همه مهمتر عاشـق و مسـتعد به کار آموزش و معلمی بود بـه طوری کـه پس از شـهادت وی، دانش‌آموزان و همکارانش با حضور در مزار و منزلش همواره یاد و خاطره‌اش را گرامی داشته و می‌دارند.

منبع: کتاب آینه صبوری (سرگذشت ۳۰ تن از زنان شهید و جانباز استان قزوین)
اثر حسن شکیب‌زاده

***کبری هنوز پایش را به پشت بام نگذاشته بود که با صدای شلیکی، فریاد وحشتناکی می‌زند: «آخ سوختم» و نقش پله‌های ساختمان می‌شود. برادرش سریع خود را بالای سرش می‌رساند و بلافاصله او را به اتاق منتقل کرده و می‌بیند که پهلویش خونریزی دارد. کبری را که هنوز جان دارد و نفس می‌کشد، داخل ملحفه‌ای گذاشته و به قصد انتقال به بیمارستان از خانه خارج می‌کنند**

***صبح فردای شهادت کبری، خانواده با خودروی دیگری به بیمارستان مراجعه می‌کنند و بدون اینکه مأموران متوجه شهادت کبری شده باشند او را روی صندلی نشانده و به بهانه اینکه بیمار است و میخواهند او را به خانه منتقل کنند، پیکرش را به صحن حیاط امامزاده حسین(ع) انتقال داده و در کمال مظلومیت در جوار فرزند امام رضا(ع) به خاک می‌سپارند**

«آگهی تحدید حدود اختصاصی»

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان ایلام

۱ - نظر به اینکه تحدید حدود ششـدانگ یک بـاب سـاختمان، پـلاک ۲۴ فرعی از ۳۶/۸ اصلی واقع در ایلام - چوار - بخش بولی - روسـتای سـرتنگ‌بیجار، توسـط آقای فرزاد دارابی درخواست ثبت گردیده اسـت. لذا حسب تقاضای آقای فرزاد دارابی مطابق ماده ۱۵ قانون ثبت تحدید حدود اختصاصی پلاک فوق‌الذکر در صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ به عمل خواهد آمد.

۲ - نظر به اینکه تحدید حدود ششدانگ یک باب ساختمان، پـلاک ۲۵ فرعـی از ۳۶/۸ اصلـی واقـع در ایـلام - چـوار - بخش بولی - روسـتای سرتنگ‌بیجار، توسط آقای سجاد دارابی درخواسـت ثبت گردیده اسـت. لذا حسب تقاضای آقای سجاد دارابی مطابق ماده ۱۵ قانون ثبت تحدید حدود اختصاصـی پـلاک فوق‌الذکـر در صبح روز سه‌شـنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ به عمل خواهد آمد.

لـذا بـه صاحبان املاک مجـاور و افرادی که خـود را ذیحق می‌داننـد اخطـار می‌گـردد در تاریخ فوق در محل وقوع ملک حضـور بـه هم رسـانند و در صورت عدم حضور مجاورین تحدید حدود طبق حدود اظهار شده از طرف متقاضی انجام خواهـد گرفت. لذا هـر یک از مجاورین که بـه حدود پلاک فوق اعتراض داشـته باشـند، اعتراض آنها از تاریخ تحدید حـدود به مـدت ۳۰ روز از طرف اداره ثبت اسـناد و املاک شهرستان ایلام پذیرفته خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵
شناسه آگهی ۱۴۵۵۶۲۴

رستمی ـ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام

«آگهی تحدید حدود اختصاصی»

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان ایلام

نظر به اینکه تحدید حدود ششدانگ یک باب خانه، پلاک ۱۴۷ فرعی از ۴۸ اصلی واقع در ایلام - روستای چشمه‌داوی، توسـط آقای علی فرهادیان درخواست ثبـت گردیده اسـت. لذا حسـب تقاضـای آقای علی فرهادیـان مطابق ماده ۱۵ قانـون ثبت تحدید حدود اختصاصی پـلاک فوق‌الذکـر در صبح روز سه‌شـنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ به عمل خواهد آمد.

لـذا به صاحبان امـلاک مجاور و افـرادی که خود را ذیحـق می‌دانند اخطـار می‌گردد در تاریـخ فوق در محـل وقوع ملک حضور به هم رسـانند و در صورت عدم حضور مجاورین تحدید حدود طبق حدود اظهار شـده از طرف متقاضی انجـام خواهد گرفت. لذا هر یـک از مجاورین کـه به حدود پلاک فـوق اعتراض داشـته باشـند، اعتراض آنها از تاریخ تحدید حدود بـه مدت ۳۰ روز از طرف اداره ثبت اسـناد و املاک شهرستان ایلام پذیرفته خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵
شناسه آگهی ۱۴۵۵۶۱۱

رستمی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر بـه اینکه آقای محسـن دلشـادی وکیل آقای سـعید زاهـدی طبق وکالتنامه شـماره‌های ۸۱۷۸۷ مورخ ۱۴۰۰/۲/۱۱ دفترخانه ۲۰۹ تهران و ۶۷۹۴- ۱۳۹۲/۱۵/۶ دفترخانه اسـناد رسـمی شماره ۱۱۲۰ تهران با تسلیم دو برگ استشـهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۷۴۴۵ مورخ ۱۴۰۱/۲/۶ توسـط دفترخانه اسـناد رسـمی شـماره ۱۳۵۱ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شـماره وارده ۱۰۲۵۰۰۳۰۴۷ مورخ ۱۴۰۱/۲/۷ مدعی فقدان سـند مالکیت ششـدانگ از یک دسـتگاه آپارتمان به پلاک ثبتـی ۴۵۴۵۶ فرعـی از ۷۰۲۲ اصلـی، مفـروز و مجزا شـده از فرعی از اصلـی مذکـور، قطعه ۲ تفکیکی واقع در بخـش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملـک نارمک تهران اسـتان تهران بـه مسـاحت ۱۴۸/۹۸ مترمربع بنام سـعید زاهدی ثبت و سند مالکیت اصلی بشـماره چاپی ۰۲۹۲۲۲ که در صفحه ۹۸ دفتر املاک جلد ۵۲۴ ذیل شـماره ۶۵۷۶۴ ثبت گردیده است سـپس برابر سـند قطعی شـماره ۷۶۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۸ دفترخانه ۱۱۳۰ نسبت به انتقال ۳۱۳۱/۱ سهم مشاع از ۴۶۰۰۸ سهم ششدانگ بنام فاطمه رهبری و ۸۴۳۴/۸ سـهم بنام سیدناصر کریمیان و ۳۱۳۱/۱ سهم مشاع از ششدانگ بنام محمد شیخی و ۱۲۵۲۴/۴ سهم بنام زهرا منصوریان منتقل گردیده است.

محدودیـت: تذکـر: بازداشـت موقـت بـه نفـع ۰ بموجـب شـماره ۱۳۹۷۱۶۸۰۰۱۳۲۰۸۵۷ مـورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۷ صادره از قاضی محترم اجرای احکام شعبه ۱۲۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهیدباهنر تهران. تذکر: بازداشت موقت گردیده است.

بعلت مفقودی کیف، مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پـلاک موصوف را نموده اسـت لذا مراتـب در اجرای مـاده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می‌شـود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سـند مالکیت نزد خود را داشـته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسـیدگی قرار گیرد بدیهی اسـت اصل سند مالکیـت پـس از رویت و ملاحظه به ارائه‌دهنده اعاده خواهد شـد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. در صورت عـدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سـند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید. م الف ۱۵۹۶۴

غلامرضا غضنفری ـ سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک نارمک

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه و مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی عشایری (سهامی خاص) ثبت شده به شماره: ۲۲۸۸۵۴ شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۹۹۸۲۱

به اطلاع کلیه صاحبان سـهام شـرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی عشایری (سهامی خاص) می‌رساند که جلسات مجمع عمومی عادی سـالیانه و مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت مذکور به ترتیب رأس سـاعت ۸:۳۰ و ۱۴ بعـد از ظهر روز یکشـنبه مـورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۷ در محل سـاختمان شماره ۲ سازمان امور عشـایر واقع در تهران - خیابان بزرگمهر - خیابان شهید برادران مظفر - پلاک ۱۰۲ برگزار می‌گردد. بدینوسـیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی صاحبان سهام دعوت بعمل می‌آید تا با در دست داشتن معرفینامه از تشکل خود و افراد حقیقی با در دسـت داشتن کارت شناسایی معتبر در روز و ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانند.

الف- دسـتورات جلسـه مجمع عمومی عادی سـالیانه (رأس ساعت ۸:۳۰)

۱) استماع گزارش هیئت مدیره شرکت در خصوص عملکرد شرکت
۲) ارائه گزارشی از پیگیری‌های انجام شده در خصوص مصوبات مجامع قبلی
۳) ارائه گزارش هیئت مدیره، بازرسـین قانونی و حسـابرس شرکت در خصوص عملکرد شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۱/۰۹/۳۰
۴) بررسـی و تصویب صورتهای مالی (ترازنامه و حسـاب سـود و زیان) شرکت برای سال مالی منتهی ۱۴۰۱/۰۹/۳۰
۵) بررسـی و تصمیم‌گیـری در خصـوص نحـوه تقسـیم سـود سـالیانه شرکت
۶) بررسـی و تصمیم‌گیـری در خصوص پرداخت پـاداش اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و کارکنان شرکت
۷) بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص حق‌الزحمه بازرس
۸) انتخاب هیئت مدیره جدید
۹) انتخاب بازرسین قانونی شرکت
۱۰) انتخاب حسابرس
۱۱) بررسـی و تصویب پیشـنهاد هیئت مدیره شرکت در خصوص کسر ۵٪ تسهیلات اعطائی قرض‌الحسنه جهت افزایش سرمایه اعضاء
۱۲) تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

ب- دستورات مجمع عمومی فوق‌العاده (رأس ساعت ۱۴)

۱) قرائـت گـزارش هیئت مدیـره و بازرس قانونی شـرکت در خصوص افزایش سرمایه
۲) بررسی و تصویب افزایش سرمایه

*ضمناً گزارش صورتهای مالی شرکت و گزارش هیئت مدیره و بازرسین جهت ارائه به سهامداران محترم در دفتر صندوق آماده می‌باشد.

هیئت مدیره شرکت

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای جواد سـالاری فرزند حاجی برابر نفویض وکالت شماره ۱۲۳۵۰۸مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲- تنظیمی دفترخانه ۷میناب و با تسـلیم دو برگ استشـهادیه محلی گواهی شده توسط دفترخانه اسنادرسمی شمار ه ۶۷حوزه ثبتی شهرسـتان میناب مدعی اسـت که سند مالکیت ششدانگ یکبـاب خانه به مسـاحت ۹۹۸/۲ مترمربـع تحت پلاک ثبتـی باقی مانده ۲۴۶فرعی از ۵۸۴- اصلی تحت شـماره چاپی سـند مالکیت کاداسـتری ۷۰۴۳۰۶ سـری الف /۸۹ ذیل ثبت ۳۷۲۸ صفحه ۳۴ دفتر۲۳محلی بنام آقای حسـین خیرخواه فرزند سنگر ثبت و مستقر گردید وتمام مورد برابر خلاصـه سـند رهنی ۴۱۴ مـورخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۱ تنظیمی دفترخانه اسـناد رسـمی شماره ۶۷ شهر میناب استان هرمزگان که بنفع بانک ملی مرکزی میناب کد ۷۸۳۱ به مبلغ ۴۶۹۶۴۰۰۰۰۰ ریال به مدت ۱۲۰ ماه ثبت شده , سـپس به علت جابجایی, سـند مالکیت فوق الذکر مفقود شده است . لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت تقاضا صدور سند مالکیت المثنی نسـبت به پلاک فوق الذکر را نموده اند بدین وسـیله مراتب در یک نوبت جهت اطلاع عموم آگهی تا چنا نچه هرکس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور ویا مدعی وجود اصل سـند مالکیت نزدخود می باشد اعتراض خـود را ظرف مـدت ده روز از تاریخ انتشـار این آگهی با ارائه اصل سـند مالکیـت ویا سـند انتقال به اداره ثبت اسـناد واملاک میناب تسـلیم نماید بدیهی اسـت در صورت انقضاء مهلت مقرر قانونی وعدم وصول واخواهی ویا در صورت وصول اعتراض وعدم ارائه اصل سند مالکیت ویا سند انتقال نسـبت به صدور سند مالکیت المثنی بنام مالک وفق مقررات اقدام خواهد شد. م/الف ۲۱۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

عقیل قاسمی ـ رئیس اداره ثبت اسناد واملاک میناب

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شـماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۳۰۰۴۰۰۴۵۰۴ مورخـه ۱۴۰۱/۱۰/۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سـند رسمی مستقر در واحد ثبتـی حوزه ثبت ملک گرمی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی علی‌زاده گرمی به شـماره شناسـنامه ۳۱۸۵ کدملی ۱۶۲۰۰۳۲۴۱۴ فرزند التفات نسـبت به ششـدانگ یکقطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۱۵۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۱۵۱ فرعی از ۱۲۰ اصلـی واقع در شهرسـتان گرمی بخـش ۲۰ اردبیل حوزه ثبت ملک گرمـی محرز گردیده اسـت. لذا به منظـور اطلاع عموم مراتـب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسـید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیـم نمایند. بدیهی اسـت در صورت انقضای مدت مذکور و عـدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۵۴۳

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

سعید نیکخو ـ رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۳۸۱۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشـمر تصرفـات مالکانه بلامعـارض متقاضی آقای خانم مهـدی جلالی فرزند محمد اسـماعیل بشماره شناسنامه ۱۳۰۰۹ صادره از کاشمر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مسـاحت ۱۱۰۱۰/۳۳ متر مربع از پلاک ۱۰۳ اصلی واقع در بخش دو کاشـمر به آدرس جاده خلیل آباد جنب گلخانه سـی گل خریداری از مالک رسـمی آقای خانم مالکیت مشـاعی متقاضی محرز گردیده اسـت لذا بـه منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشـود در صورتی که اشـخاص نسبت به صدور سـند مالکیت متقاضی اعتراضی داشـته باشـند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم ،اعتراض دادخواسـت خود را به مراجع قضایی تقدیم نماینـد. بدیهی اسـت در صورت انقضای مـدت مذکور و عدم وصـول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م_الف ۲۷۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۱۱/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی دعوت سهامداران شرکت نرم افزاری امن پرداز (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۳۷۲۸۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۸۱۷۱۴ جهت تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده.

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت نرم افزاری امن پرداز (سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که در مرکز اصلی شرکت و به دعوت هیئت مدیره در ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۶ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانید.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده:
۱ - انتخاب بازرسین برای سال منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

مقام دعوت کننده هیئت مدیره شرکت

آگهی دعوت از سهامداران شرکت پرشیا طب روز سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۰۸۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۲۸۳۰۴

از کلیه سـهامداران شـرکت پرشـیا طب روز دعوت به عمل می آید که در جلسـه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۷ سـاعت ۱۴ در محل قانونی شرکت تشکیل میگردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه : انتخاب و تعیین سـمت اعضای هیئت مدیره تعیین دارندگان حق امضا

هیئت مدیره

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای شـیرعلی کامکار هفشـجانی دارای شناسـنامه شـماره ۱۷۰ به شـرح دادخواست کلاسه ۸۶۴/۱۴۰۱ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده وچنین توضیح داده که شـادروان فتحعلی کامکار هفشـجانی به ش ش ۵۸ درتاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ دراقامتگاه دائمی خود بـدرود زندگی گفته ، ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر اسـت به ۱- شیرعلی کامکار هفشجانی ش ش ۱۷۰ ۲- سلیمان کامکار هفشجانی به ش ش ۲ - ۳- قاسم کامکار هفشجانی به ش ش ۳۰۴ - ۴- نسـرین کامکار هفشـجانی به ش ش ۲۵ - ۵- مرضیه کامکار هفشجانی به ش ش ۲۸۸ (فرزندان متوفی)

اینـک با انجام تشـریفات مقدماتی در خواسـت مزبـور را یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسـی اعتراضی دارد و یـا وصیت نامه از متوفی نزد اوباشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شورای حل اختلاف شماره ۱۹ هفشجان - نعمت اله سلیمانی